

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### شواهد و متابعات در علم حدیث

(ترجمه)

به اسامه عیاط

پرسش

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

زنده باشید شیخ محترم! سوالی دارم متعلق به علم حدیث و می‌خواهم از حضرت شما بپرسم: علماء، علم حدیث را چنین تعریف نموده‌اند که آن عبارت از این است که سندش متصل باشد، راوی ضابط و عادل از اول تا منتهای سند از مثل خود روایت نماید و شاذ و معلل نباشد. همین است ضوابط تصحیح حدیث؛ لیکن اکثر علما را می‌یابم که احادیث ضعیف را توسط شواهد و متابعات به درجه صحت می‌رسانند؛ به گونه‌ی مثال گاهی حدیثی از طریق ثابت می‌شود که ضعیف می‌باشد؛ اما این حدیث از خود شواهد و متابعات دارد؛ گرچه این شواهد و متابعات ضعیف می‌باشند. علی‌رغم آن علما را می‌بینیم حدیث متذکره را از طریق شواهد و متابعات، صحیح قرار می‌دهند. پس ملاک اعتبار این شواهد و متابعات چیست؟ و چی وقت این شواهد و متابعات به تصحیح حدیث تأثیر گزار می‌باشند؟ چشم به راه جوابم، الله به شما برکت دهد.

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

قبل از پاسخ این سوال، لازم است برخی اصطلاحات مربوطه توضیح داده شود؛ مانند "شواهد و متابعات"؛ چون این‌ها اصطلاحات علم حدیث اند، البته توضیح‌شان در ضمن ارائه مثال‌ها صورت می‌گیرد:

- در مسند شافعی آمده است: أَخْبَرَنَا مَالِكٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الشَّهْرُ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ، فَلَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَيْلَالَ، وَلَا تُفْطِرُوا حَتَّى تَرَوْهُ، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»

ترجمه: مالک به ما از طریق عبدالله بن دینار از طریق عبدالله بن عمر رضی الله عنهما خبر داد که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ماه بیست و نه روز می‌باشد، تا دیدن مهتاب روزه نگیرید، و تا دیدن آن افطار نکنید، پس اگر مهتاب زیر ابر پوشیده ماند، سی روز را تکمیل نمایید.»

- متن، عبارت از منتهای سند کلام است که در حدیث فوق عبارت از این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم است: «الشَّهْرُ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ، فَلَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَيْلَالَ، وَلَا تُفْطِرُوا حَتَّى تَرَوْهُ، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»

- سند، عبارت از سلسله رجالی است که متن را به منبع می‌رساند؛ پس سند این حدیث عبارت از شافعی عن مالک عن عبد الله بن دینار عن عبد الله بن عمر عن رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

- حدیث فوق را تنها شافعی از مالک روایت نکرده بلکه مالک نیز از عبدالله بن مسلمه به عین اسناد عن عبدالله بن عمر روایت نموده است. بخاری در صحیح خود روایت نموده: **حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ، حَدَّثَنَا مَالِكٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «الشَّهْرُ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ لَيْلَةً، فَلَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْهُ، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»**

**ترجمه:** به ما عبدالله بن مسلمه از ما مالک، وی از عبدالله بن دینار، از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما حدیث روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ماه بیست و نه شب می‌باشد، تا مهتاب را ندیده‌اید روزه نگیرید، پس اگر به شما پوشیده ماند شمارش سی را تکمیل کنید.» روی هم‌رفته عبدالله بن مسلمه در روایت این حدیث از شافعی تبییعت کرده، یعنی حدیث را از شیخ شافعی روایت نموده که وی مالک است؛ البته با سند مذکور. بنابراین به روایت عبدالله بن مسلمه اصطلاح "متابعه" اطلاق می‌گردد، که درین حالت به آن متابعه تامه گفته می‌شود. هم‌چنان امام مسلم این حدیث را در صحیح خود از عبدالله بن عمر قرار ذیل روایت نموده است: **حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ، عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ رَمَضَانَ، فَضَرَبَ بِيَدَيْهِ فَقَالَ: «الشَّهْرُ هَكَذَا، وَهَكَذَا، وَهَكَذَا - ثُمَّ عَقَدَ إِبْهَامَهُ فِي الثَّلَاثَةِ - فَصُومُوا لِرُؤْيَيْتِهِ، وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْتِهِ، فَإِنْ أغمِيَ عَلَيْكُمْ فَأَقْدِرُوا لَهُ ثَلَاثِينَ»**

**ترجمه:** ابوبکر بن شیبیه از اسامه، وی از عبیدالله از نافع به ما حدیث روایت کرد که از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از رمضان یاد کرد و بادست خود اشاره نموده گفت: «ماه این قدر است و این قدر، و اینقدر - در مرحله سوم انگشت ابهام را بسته نمود- مهتاب را مشاهده نموده روزه بگیرد و مشاهده نموده افطار نماید و اگر به شما پنهان ماند، در آن صورت سی روز را تکمیل نمایید.»

در روایت حدیث متذکره در بابت روایت "عن عبدالله بن عمر" نافع از عبدالله بن دینار متابعت نموده و این را متابعه قاصره می‌نامند چون از ابتدای سند آغاز نشده است.

نسائی این حدیث را در سنن خود قرار ذیل روایت نموده است: **أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُنَيْنٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: عَجِبْتُ مِمَّنْ يَتَقَدَّمُ الشَّهْرَ، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا، وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»**

**ترجمه:** محمد بن عبدالله بن یزید به ما خبر داده گفت: سفیان از عمرو بن دینار از محمد بن حنین از ابن عباس حدیث نقل نموده که او گفت: من به آن کس تعجب می‌کنم که از ماه پیشی می‌کند، در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هنگامی که مهتاب را دیدید روزه بگیرد و هنگامی که دیدید افطار نماید و اگر در ابر پوشیده ماند، شمارش سی را تکمیل نماید.» واضح است که این روایت حدیث به سند دیگری از صحابی دیگری نقل شده که او ابن عباس است نه عبدالله بن عمر، و به حدیث نسائی، برای

حدیثی که در فوق از شافعی روایت شد و نیز برای حدیث بخاری و مسلم، "شاهد" گفته می‌شود؛ طوری که به تمامی احادیث شافعی، بخاری و مسلم که در فوق گذشتند، برای حدیث نسائی "شواهد" گفته می‌شود. اگر در حدیث "شاهد" اختلاف در لفظ و مشابهت در معنی وجود داشته باشد، به آن کلمه "شاهد بالمعنی" اطلاق می‌گردد؛ مثال حدیث بخاری در صحیح خود: آدم از شعبه و او از محمد بن زیاد حدیثی نقل نمود که وی می‌گوید: از ابوهریره رضی الله عنه شنیدم که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: و یا می‌گوید: ابوالقاسم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صَوْمُوا لِرُؤْيَيْتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْتِهِ، فَإِنَّ غُيْبِي عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شُعْبَانَ ثَلَاثِينَ»

**ترجمه:** بادیدن مهتاب روزه بگیرید و بادیدنش افطار نمایید، اگر بر شما پوشیده ماند، در آن صورت شعبان را سی پوره کنید.

متن این حدیث با حدیث شافعی در معنی مشابه است، نه در لفظ؛ چون این‌جا ماه شعبان آمده.

اینک به پاسخ سوال می‌پردازیم: احادیثی که فسق راوی یا متهم بودنش به کذب و امثال آن موجب ضعف آن می‌گردد، با احادیث دیگری قوی نمی‌گردد؛ بلکه قابل رد بوده و به آن عمل نمی‌شود. در کتاب [شخصیه اسلامی جزء اول] چنین آمده است: «... و از جمله خطاها یکی هم این سخن است که "حدیث ضعیف زمانی از طرق متعدد ضعیفه روایت شود، به درجه حسن یا صحیح ارتقا نماید." بنابراین هنگامی که ضعف حدیث از اثر ضعف راوی یا متهم بودنش به کذب بالفعل باشد، باز از همین نوع از طریق دیگری روایت شود، ضعف بر ضعف علاوه می‌گردد...» پایان.

ابن صلاح در مقدمه می‌گوید: «هر ضعیفی در حدیث با محض ثبوتش از وجوه مختلف زائل نمی‌گردد، بلکه تفاوت دارد: از آن جمله است، ضعیفی که به علت ضعف بسیار و مقاومت نشان دادن راوی و عدم تلاش وی در راستای جبران این ضعف رخ می‌دهد؛ مانند ضعف ناشی از متهم بودن راوی به کذب یا شاذ بودن حدیث.» پایان.

در احادیث روایاتی وجود دارد که در آن یک راوی یا بیشتر یافت می‌شود که دچار سوء حافظه یا مستور الحال است و یا امثال آن، ولی به فسق و کذب متهم نمی‌باشد... یعنی منشأ سبب ضعف، سوء حافظه و امثال آن است؛ نه صدق و کذب. چنین روایات احادیث اگر زمانی به تنهایی اش گرفته شود، آن وقت ما به ضعف اش حکم می‌کنیم که البته بخاطر بعض رجال سند است؛ اما در صورت تتبع روایات واضح می‌گردد که این روایات از خود متابعات و شواهد معتبری دارد؛ یعنی صلاحیت تقویه روایت مربوط را دارد که سوء حافظه را جبران و متن حدیث را از شاذ یا منکر بودن خارج کند. باین حال ما به ضعف حدیث قضاوت نمی‌کنیم، بل حدیث "حسن" می‌باشد؛ چون از طریق دیگری روایت شده که خللی را که ممکن سبب ضعف حدیث تمام می‌شد، تلافی و تدارک می‌کند... در کتاب شخصیه اسلامی جزء اول قرار ذیل آمده: «حسن: عبارت از حدیثی است که مخرجش معروف و رجالش مشهور باشد. مدار اکثر حدیث بر همین است و همین را اکثر علما قبول دارند و فقها از آن استدلال می‌کنند. یعنی در اسنادش کسی متهم به کذب نباشد و حدیث شاذ هم نباشد. آن دونوع است:

اول: حدیثی که رجال اسنادش به نوعی مستور و اهلیت‌ش غیر ثابت باشد، مشروط بر این که مغفل، کثیر الخطا و متهم به کذب نباشد و شبیه متن حدیث از طریق دیگری روایت شده باشد. پس با این مزیت از شاذ یا منکر بودن خارج می‌گردد. پایان.

در مقدمه ابن صلاح قرآتی آمده است: «... پس به من روشن و آشکار گردید که حدیث حسن دو قسم است:

یکم: حدیثی که درلست رجال اسنادش راوی مستور و مجهول الاهلیت موجود بوده، مشروط به این که مغفل و کثیرالخطا در روایت خود نباشد و نه متهم به کذب در حدیث باشد. یعنی از وی نه تعمد کذب در حدیث ظاهر گر و نه سبب دیگری که باعث فسق اش تمام می شود و ضمناً متن حدیث معروف بوده و مثل و یا شبیه آن از یک طریق یا بیشتر روایت شده باشد تا توسط کسی که به روایت بالمثل یا با حدیث دارای شاهد واحد از راوی وی متابعت نموده قوی تر شود که آن عبارت از ورود حدیث دیگری مانند آن می باشد؛ به این ترتیب از شاذ و منکر بودن خارج می گردد. کلام ترمذی به این قسم منطبق می شود...» پایان.

همچنان گفته: «ضعف هر ضعیف با محض ثبوتش از وجوه مختلف زایل نمی گردد؛ بلکه تفاوت دارد: ضعیفی هست که ثبوت اش از طریق دیگری موجب ازاله ضعفش می گردد که ناشی از ضعف حفظ راوی باشد، با وصف این که از اهل صدق و دیانت است. پس هنگامی دیدیم که روایت آن از طرق دیگری نیز ثبوت دارد، می دانیم که وی بدون خللی در ضبط خود درست حفظش نموده است.» پایان.

بنابر این، به مجرد وجود راوی مستوری یا دارای حافظه ضعیفی در سند به اصدار حکم به ضعف، عجله ای در کار نیست؛ بل به منظور معرفت متابعات و شواهد، روایات دیگری نیز تحقیق کرده می شود؛ علاوه ازین که بخاطر تقویت احادیث توسط متابعات و شواهد، بازدید لازمی است. این از مسایل دقیقی است که نیاز به علم و احاطه به علوم حدیث و دقایق الروایات و جرح و تعدیل دارد. پس هر متابعه یا شاهدی برای تقویت حدیث کافی نبوده، بل توفیر شروط در آن لازمی است تا این که برای جبران خلل و حکم نمودن به قبولیت حدیث، معتبر و مناسب شناخته شود.

امید وارم که موضوع به اذن الله واضح شده باشد.

**برادران عطاء بن خلیل أبو الرشته**

**23 شوال 1437 هـ.ق.**

**2016-7-28 م.**

**مترجم: محمد مسلم**